روزنامه شرق

شنبه ۵ مهر ۱۳۹۹ • ۸ صفر ۱۴۴۲ • ۲۶ سپتامبر ۲۰۲۰

سال هجدهم • شماره ۳۸۲۶ • ۱۲ صفحه • ۵۰۰۰ تومان

مقام معظم رهبری:

گذشت زمان نمی‌تواند یاد شهیدان را از خاطر ملت بزداید

پایگاه اطلاع‌رسانی مقام معظم رهبری: پیام مقام معظم رهبری به مناسبت روز تجلیل از شهیدان و ایثارگران دفاع مقدس که روز پنجشنبه توسط آقای اوحدی، رئیس بنیاد شهید و امور ایثارگران، در گلزار شهدای بهشت زهرای تهران قرائت شد...

صفحه ۲

رئیس‌جمهور:

در صورت بروز موج جدید کرونا ناچار به اعمال محدودیت‌ها هستیم

گروه سیاست: رئیس‌جمهوری روز پنجشنبه در جلسه رؤسای کمیته‌های ستاد ملی مقابله با کرونا تاکید کرد که دولت از ابتدای شیوع بیماری کرونا، فارغ از همه تنگناها و محدودیت‌های اقتصادی ناشی از تحریم‌های ظالمانه، تأمین نیازهای بخش سلامت...

صفحه ۲

هشدار رئیس قوه قضائیه به هیئت واگذاری کشت و صنعت مغان: تحت فشار هیچ مقامی قرار نگیرید

ورود دو قوه به یک حراج

صفحه ۵

گفت‌وگو با عباس عبدی درباره تأثیر انتخابات آمریکا بر ایران:

علیه سیاست ستیز

• هیچ یک از نیروهای اپوزیسیون چشم‌انداز روشنی را ترسیم نمی‌کنند

• دوره دو قطبی اصلاح‌طلب- اصولگرا تمام شده است

عکس: مهدی حسنی

صفحه ۸

تیترها

تبعیض بین مسئولان و مردم حتی در واکسن آنفلوانزا

صفحه ۹

گفت‌وگو با شهریار خواجیان

برادران برانداز و نقش آنها در کودتای ۲۸ مرداد

صفحه ۶

رانت جدید خصولتی‌ها

صفحه ۴

عبور از وزیر پرسپولیسی

صفحه ۱۱

جرم سیاسی اما اتهام امنیتی

صفحه ۲

دانش و قانون

بابک زمانی

صفحه آخر

سرمقاله

به دنبال رستگاری

احمد غلامی . سردبیر

توصیه انتخاباتی موسوی‌خوئینی‌ها برای شرکت در انتخابات ۱۴۰۰ به اصلاح‌طلبان و تشویق و تهییج مردم به وسیله این جناح سیاسی قابل تأمل است. این دومین اظهارنظر دبیر مجمع روحانیون مبارز در ماه‌های اخیردر کانال شخصی‌اش است. برای چهره‌هایی همچون موسوی‌خوئینی‌ها، انتخاب تریبون بسیار اهمیت دارد؛ چراکه او سال‌هاست با هیچ رسانه رسمی‌ای گفت‌وگو نکرده است. شاید وسواس او در عدم استفاده از رسانه‌های دیگر، به این دلیل باشد که موضع هر رسانه‌ای به محتوای گفته‌های او ناخواسته معنای دیگری می‌بخشد. موسوی‌خوئینی‌ها کانال شخصی‌اش را برگزیده که سخنانش از چنین معنای ناخواسته‌ای در امان بماند. اما این یک طرف ماجراست؛ طرف دیگر آگاهی به این نکته است که رسانه‌های رسمی نمی‌توانند تمام و کمال سخنان او را انتشار دهند. اما مهم‌تر از همه اینها، انتخاب رسانه شخصی و نادیده‌انگاشتن رسانه‌های موجود همچون ایسنا، ایلنا، ایرنا، خبرآنلاین و ده‌ها سایت خبری دیگر بر این نکته تاکید می‌کند که خوئینی‌ها به اثرگذاری شخص بماهو شخص باور دارد؛ یعنی یک شخصیت سیاسی حتی در انزوا هم می‌تواند در بزنگاه‌های تاریخی در جریان‌های سیاسی و اجتماعی پویایی و تحرک ایجاد کند. او با چنین باوری است که پا به میدان گذاشته است. اما نباید غفلت کرد: «شخصیت‌ها به توان سجایای خود می‌توانند در سرنوشت اجتماع مؤثر باشند، اما امکان تأثیر و حدود آن به وسیله تشکیلات اجتماعی و مناسبات متقابل نیروهای اجتماعی تعین می‌یابد». موسوی‌خوئینی‌ها اصلاح‌طلبان را خطاب قرار داده تا با استراتژی دوپهلوی نفی و اثبات، آنان را در پیشگاه مردم رستگار کند؛ پس این دوگانه، دوگانه نفی و اثبات، کارکردی جز احیای چهره اصلاح‌طلبان در نزد مردم و احیای اصلاحات ندارد. در این توصیه بازگشت به قدرت اصلاح‌طلبان باز در اولویت است؛ با این تفاوت که اگر نگذاشتند اصلاح‌طلبان به قدرت بازگردند، آنان چیزی را از دست نخواهند داد و به مردم ثابت خواهد شد چه کسانی مانع توسعه دموکراسی در ایران‌اند. به‌زعم خوئینی‌ها، این عملکرد سیاسی موجب می‌شود اصلاح‌طلبان دوباره هژمونی ازدست‌رفته خود را بازیابند. اما سؤال اساسی اینجاست که آیا شرایط سیاسی و اجتماعی کنونی با این توصیه‌ها دچار پویایی می‌شود و آب رفته به جوی باز خواهد گشت؟ یا وضعیت سیاسی جامعه و اصلاح‌طلبان همچون شنل داستان گوگول است که دیگر وصله برنمی‌دارد. اگر سیدمحمد خاتمی در انتخابات مجلس دهم و دور دوم انتخابات ریاست‌جمهوری دولت روحانی در بین یأس و ناامیدی سیاسی، مردم را با تعبیر تکرار می‌کنم به میدان کشاند و موجب پویایی و تحرک در جناح‌های سیاسی اصلاح‌طلب و مردم شد، این پویایی بیش از اینکه از شخصیت او نشئت گرفته باشد، از میان تضادها و درگیری‌های سیاسی و اجتماعی سر برآورده بود و از درک و بیان ضروریات و احتیاجات جامعه بود که موجب چفت‌وبست‌شدن این تعبیر با جامعه سیاسی و مردم شد: «شخصیت‌ها اغلب تأثیر عمیقی بر سرنوشت اجتماع دارند، ولی این تأثیر مطابق طبیعت و ساختمان آن اجتماع و مناسبات آن اجتماع با سایر جوامع صورت می‌گیرد». اینک نادیده‌انگاشتن ضروریات اجتماعی و سیاسی، به معنای ندیدن مردم است؛ مردمی که تضادی بین اصولگرایان و اصلاح‌طلبان نمی‌بینند. بنابراین اثبات اینکه مخالفان توسعه دموکراسی چه کسانی هستند، اینک چندان دغدغه مردم نیست و کارایی ندارد؛ آن‌هم اثبات برای چه و در برابر چه کسانی. شاید آنچه بتواند مردم را به پویایی وادارد و به سمت جناح‌های سیاسی بازگرداند که زمانی خودشان آنها را برساخته‌اند، درک و بیان شجاعانه ضروریات اجتماعی است. باید با مردم سخن گفت، نه با جناح‌های سیاسی و نه تهدید نهادهای رسمی. برای ایجاد پویایی در مناسبات اجتماعی، باید به مرکز این مناسبات انگشت گذاشت؛ مرکز درد تا بیمار فریاد بزند: «بله، بله همین‌جاست». مرکز درد الان کجاست؟ چرا کسی از مرکز درد سخنی به میان نمی‌آورد؟

ادامه در صفحه ۲

یادداشت

اقتصاد ایران زیر ضرب سیاست

ناصر ذاکری
کارشناس اقتصادی

نماینده اقلیم کردستان در ایران در مصاحبه‌ای به نکته جالبی اشاره کرده که بارها به اشکال و روایات مختلف از سوی ناظران، تحلیلگران و فعالان اقتصادی و حتی مسئولان کشوری به آن اشاره شده است. او می‌گوید: «تفاوت مهمی میان فعالیت ترکیه و ایران در اقلیم کردستان وجود دارد و آن اینکه نگاه ایران به حضور در اقلیم، بیشتر امنیتی است و نه اقتصادی؛ برعکس ترکیه بیشتر نگاهش اقتصادی است. نتیجه تفاوت این دو نگاه هم در عمل روشن است».

منطق اقتصادی حکم می‌کند ایران، به‌ویژه در دورانی که درگیر تحریم‌های ظالمانه است، مراودات اقتصادی خود را با کشورهای منطقه افزایش داده و از هر فرصتی برای بازرگانی و ایجاد گشایش در میدان اقتصاد استفاده کند. در چنین شرایطی، خط مرزی ۴۲۳کیلومتری بین ایران و اقلیم کردستان می‌تواند بسیار مرکز توجه باشد و مقامات مسئول باید اولویت خاصی برای حضور اقتصادی در این سرزمین و استفاده از این فرصت ارزشمند قائل شوند. بااین‌حال، به گفته نماینده اقلیم کردستان، نگاه مسئولان ایرانی به اقلیم، نگاهی صرفا امنیتی است و میدان تجارت و کسب سود سرشار را به ترکیه واگذار کرده‌اند. بالطبع نتیجه این نگاه نیز بروز پدیده کولبری و فاجعه کشته‌شدن گاه‌وبی‌گاه کولبران است. امنیت مقوله مهمی است و به‌ویژه برای کشوری که رودررو با دشمنان و بدخواهان کینه‌توز است، رعایت معیارهای آن جزء واجبات است؛ اما باید دانست تفاوتی عمده بین نگاه کوتاه‌مدت و بلندمدت به این مقوله وجود دارد. در نگاه کوتاه‌مدت، می‌توان امنیت را جدا از مبحث اقتصاد مرکز توجه قرار داد؛ اما در نگاه بلندمدت، اقتصاد یکی از اصلی‌ترین ستون‌های ساختمان امنیت جامعه است؛ با فروپاشی اقتصاد و تخریب بنیان‌های اقتصاد جامعه، امنیت کشور هم در حوزه خارج و هم در حوزه داخل، لطمات سهمگینی را تجربه خواهد کرد.با نگاهی به تجربه چند دهه گذشته می‌توان ادعا کرد همواره رویکرد کوتاه‌مدت در تعریف مفاهیم امنیتی و در نتیجه تدوین سیاست‌ها غالب بوده است. دقیقا به همین دلیل توجه به اهمیت اقتصاد و ضرورت بهبود شاخص‌های اقتصادی، همواره در حاشیه قرار گرفته و مورد بی‌مهری واقع شده است. به‌این‌ترتیب، در شرایطی که در همه کشورها خواه بزرگ و خواه کوچک، سیاست در خدمت اقتصاد قرار می‌گیرد و دولتمردان تلاش می‌کنند از هر ابزاری در میدان روابط بین‌الملل برای گشودن بازارهای سایر کشورها و ایجاد فرصت برای فعالان اقتصادی کشورشان بهره گیرند، در ایران انتظار این است که اقتصاد باید در خدمت سیاست قرار بگیرد. نتیجه این نگاه غیرکارشناسی، تحمیل هزینه‌های گزاف سرمایه‌گذاری بدون توجیه اقتصادی در برخی کشورها به بنگاه‌های اقتصادی کشورمان است که ضرر آن به صورت زیان انباشته به سهامداران و به صورت افزایش قیمت تمام‌شده محصولات به مصرف‌کنندگان داخلی منتقل شده و می‌شود.

در زمستان سال ۱۳۹۳، رئیس‌جمهوری در کنفرانس اقتصاد ایران گفت: «همه شما می‌دانید که سال‌ها و دهه‌هاست که اقتصاد به سیاست یارانه می‌دهد. می‌گویند یارانه دائمی نمی‌شود. یک روزی باید قطع شود... (اقتصاد) هم به سیاست خارجی و هم داخلی یارانه می‌دهد. یک دهه این رابطه را به عکس کنیم. از سیاست خارجی به اقتصاد یارانه بدهیم و ببینیم مردم معیشت و اشتغال جوان‌هایشان چگونه خواهد شد؟».نقدی جدی که بر عملکرد دولت در سال‌های گذشته وارد است، این است که تلاشی برای اجرائی‌کردن این رویکرد به‌کار نبرده و حداقل درباره دشواری‌ها و موانع آن با صراحت با مردم سخن نگفته است. نتیجه اینکه در سال پایانی دولت هنوز باید درباره تقدم امنیت بر اقتصاد یا اهمیت بعد اقتصادی امنیت مطلب گفته و نوشته شود.در ماه‌های بعد از امضای برجام، شاهد رفت‌وآمد گسترده فعالان اقتصادی و مقامات کشورهای اروپایی به ایران بودیم. بااین‌حال، دولت نتوانست از این فرصت تاریخی برای افزایش هزینه‌های تحریم‌های احتمالی آینده برای تحریم‌کنندگان استفاده کند. گسترش همکاری با اروپایی‌ها می‌توانست موجب پرهزینه‌شدن تحریم ایران برای غرب بشود؛ اما فضای سنگین رقابت مخرب سیاسی در داخل کشور موجب شد این فرصت از دست برود. در همان ایام، یکی از سخنوران مخالف دولت با استفاده از تریبون نماز جمعه به «حجم گسترده رفت‌وآمد اروپایی‌ها» اعتراض کرد! چین بیش از چهار دهه پیش، سیاست جدید خود در عرصه ارتباطات اقتصادی با جهان را با این باور آغاز کرد که برای جبران عقب‌ماندگی خود از جهان صنعتی به چهار دهه صلح (تنش‌زدایی در میدان سیاست خارجی) نیاز دارد. در این چهار دهه اقتصاد چین رشدی سرسام‌آور را تجربه کرد و توانست در رتبه دوم اقتصادهای بزرگ جهان قرار بگیرد.

ادامه در صفحه ۲

یادداشت

دارالفنون؛ افتخار ایران

سید احمد محیط‌طباطبایی

دانش‌آموخته‌های دارالفنون به دو شکل هستند؛ دانش‌آموختگان مستقیم و غیرمستقیم. دارالفنون از ابتدای تأسیس در دوران قاجاریه و ناصری نه‌تنها تا امروز خود تربیت‌کننده نسل مهمی از فرهیختگان کشور بود؛ بلکه آنها در مراکز دیگر آموزشی از مدرسه تا دانشگاه به تربیت جوانان و مردمان سرزمین‌مان پرداختند و می‌توانیم بگوییم هیچ نهاد آموزشی‌ای در کشور تأثیری را که دارالفنون بر جریان توسعه و روند پیشرفت ایران گذاشته، نداشته‌اند. به عبارتی می‌توانیم به‌صراحت بگوییم که بعد از کاخ گلستان و مراکز مهم دوران قاجار، مهم‌ترین نهاد به لحاظ کاربردی و محتوایی دارالفنون بود که توانست تأثیر بسیار عمده‌ای بر تمام جریان‌های فکری، صنعتی و اقتصادی و اجتماعی کشور از خود به جا بگذارد. به‌ویژه اینکه پس از انقلاب مشروطیت در سال ۱۲۸۵ در ایران مهم‌ترین جنبشی که به لحاظ توسعه کشور در سرلوحه همه کسانی که آن زمان فعال بودند، گذاشته شد، ایجاد مدرسه و مدرسه‌سازی و توسعه امر آموزش در کشور بود که بالطبع فارغ‌التحصیلان دارالفنون و دست‌پروردگان چنین نهادی مهم‌ترین نقش را در این جریان آموزشی توسعه‌ای از خود بر جای گذاشتند و دوران بسیار طلایی و شکوهمندی در دارالفنون از آن دوران آغاز شد و تا تأسیس دانشگاه تهران با همان روند ادامه پیدا کرد. در واقع در تمام این دوران بسیاری از فعالیت‌های جدید علمی-آموزشی مثل ایجاد موزه به‌عنوان مکان پژوهشی و نشان‌دهنده گذشته در همین فضای دارالفنون برای اولین بار ایجاد شد و بسیاری مفاهیم تخصصی در امر پزشکی و بهداشت در جوار و همسان با دارالفنون ایجاد و راه‌اندازی می‌شود. مدرسه دارالفنون از بعد از تأسیس دانشگاه تهران مهم‌ترین هدیه را به دانشگاه تهران می‌دهد که جمع استادان اولیه دانشگاه هستند که معلمان همین مدرسه بودند که مدرسان دانشگاه می‌شوند و می‌توان این دانشگاه را با واسطه، نتیجه دارالفنون در دوران آموزشی خود دانست. و پس از آن دبیرستان دارالفنون به‌عنوان دبیرستان مادر و دبیرستان هادی تا زمانی که برقرار بود، فعالیت خودش را ادامه داد و در این زمینه هم نقش‌آفرین بود. به همین علت دارالفنون به‌عنوان یکی از مفاخر کشور ایران تلقی می‌شود. همان‌طور که در موزه ملی ایران مثلا جام حسنلو و بسیاری از آثار تاریخی مثل لوح‌های دوره هخامنشی و خیلی از چیزهای دیگر نشانی از هنر و فرهنگ و نقش و تأثیر ایرانیان بر فرهنگ جهان در دوران اسلامی از خود به جا گذاشته‌اند، دارالفنون یک اثر باارزش تاریخی و فرهنگی در تاریخ معاصر کشور ماست و این نگینی است برای فعالیت‌های فرهنگی که ایران در تاریخ تا امروز انجام داده. بدیهی است که پس از بسیاری از بناها و میراث‌های فرهنگی که در تهران داریم، در کنار آنها و بالاتر از آنها دارالفنون قرار گرفته؛ اما دارالفنون دو بخش اصلی دارد؛ بخش ضعیف‌تر و مهم کاربردش است و بخش مهم‌تر محتوا و فعالیت علمی و آموزشی که صورت گرفته و تا امروز هم اثراتش را شاهدیم. پس احیای دارالفنون فقط احیای بنای تاریخی به صرف دیدن و تماشاکردن نیست. در واقع حتی اگر دارالفنون را یک موزه به مفهوم واقعی بدانیم، می‌دانیم که وقتی یک اثر موزه‌ای می‌شود که به صورت یک اثر شاخص و اثری دربیاید که راهنما و هادی جریانات در جهان باشد و بالطبع دارالفنون به‌عنوان نهادی موزه‌ای، موقعی کامل است که همه اجزای آن کنار یکدیگر قرار بگیرد و مهم‌ترین رکن آن از ابتدا تا امروز آموزش بوده و در کنارش فعالیت‌های پژوهشی و تولیدات و آنچه در مفاهیم فرهنگی و... از دارالفنون نشئت گرفته و در اختیار مخاطبان و مردم قرار گرفته. به این ترتیب است که مانند همه مدارس مهم و قدیمی جهان که فخر آن کشورها هستند...

ادامه در صفحه ۲

حرف اول

انتخابات شهروندمدار، نه نمایشی

صالح نقره‌کار . وکیل دادگستری

۱. مهم این است که انتخابات آینه تمام‌نمای اراده ناب مردم باشد؛ وگرنه یک مانور بی‌اثر پرهزینه و کارزار تبلیغاتی قلمداد می‌شود. نقطه عزیمت قانون انتخابات ایران به سال ۱۲۹۰ خورشیدی بازگشته و تا به امروز تلاطم‌های زیادی را تجربه کرده است. آرمان مشروطه‌خواهی سوار بر دوش نظام نمایندگی با محوریت انتخابات مردمی به جای انتصابات، قرار بود زمینه تحقق حکمرانی متکی به آرای مردمی را فراهم آورد. داوری درباره توفیق این پروژه را باید به وجدان تاریخ سپرد. دموکراسی و انتخابات هم در بستر زمان رشد و نمو دارند و بلوغ را تجربه می‌کنند. پس باید فرصت رشد را برای آنها هموار کرد تا فروغ انتخابات، امید به بهبود را برای جامعه تحول‌خواه ایران فردا رقم بزنند.

۲. مسئله تسهیل چرخش قدرت همیشه مهم‌ترین شاخص ارزیابی یک نظام انتخابات سالم است. اینکه تاریخ مصرف تصدی صاحبان مناصب قدرت عمومی منوط به انقضای اراده مردم باشد، معیار اساسی و محک محوری ناب‌بودن انتخابات و راست‌بودن دموکراسی است. هر قدر سیستم انتخابات امانت‌دارانه و دموکراتیک‌تر تنظیم و مهندسی شود، دست‌به‌دست‌شدن قدرت بی‌خطرتر و راحت‌تر است و هر قدر مانع‌تراشی سازمان‌یافته‌تر تعبیه شود، محصول کارخانه انتخابات بی‌ربط‌تر با اراده ناب عمومی است.

۳. در چهار دهه انقلاب اسلامی آرمان انتخابات امانت‌دارانه در سخت‌ترین شرایط جنگی و ترور و تحریم نیز از یادها نرفته و همواره مورد مطالبه نخبگان و کنشگران بوده است. تصحیح ضابطه رفتاری انتخابات ضمن توسعه دسترسی مردم به استیفای حق تعیین سرنوشت برای بهترشدن و رشدیافتن ملت و دولت دغدغه‌ای جدی است. سزاوار است با عبرت از انبان تجارب پیشین، نظام تقنین، چهره‌ای از انتخابات را به تصویر بکشد که بیش‌ازپیش روح و ماهیت نمایندگی ملت را به کرسی بنشاند.

۴. به‌تازگی بررسی اصلاح قانون انتخابات ریاست‌جمهوری در کمیسیون شوراها و امور داخلی مجلس مطرح شده که از قرار معلوم بیشتر معطوف به شرایط نامزدهای ریاست‌جمهوری است.

ادامه در صفحه ۴

برادر گرامی جناب آقای محمدخدادی
معاون محترم مطبوعاتی وزارت ارشاد
درگذشت برادر گرامیتان را به جناب‌عالی و خانواده محترم تسلیت می‌گوییم، برای آن مرحوم غفران الهی و برای بازماندگان صبر مسئلت داریم.
محمدهاشم مهیمنی، مهدی رحمانیان

آگهی مناقصه عمومی یک مرحله ای ۱۶/م/۹۹ دانشگاه پزشکی وخدمات بهداشتی درمانی مازندران
دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی مازندران
رجوع به صفحه ۹